

بررسی تاریخی مالکیت و اثر آن بر مدیریت عرصه‌های منابع طبیعی (مطالعه‌ی موردی: چتن نوشهر)

محمد عوافی همت^{۱*}، تقی شامخی^۲، وحید اعتماد^۳ و مرتضی فرهادی^۴

^۱ دانشجوی دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ایران

^۲ دانشیار دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ایران

^۳ استادیار دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ایران

^۴ استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۸، تاریخ تصویب: ۸۷/۱۲/۲۱)

چکیده

در این پژوهش بررسی سیر تاریخی نظام بهره‌برداری روستایی از عرصه‌های طبیعی جنگلی، مرتعی و کشاورزی روستای چتن از توابع بخش کجور شهرستان نوشهر در استان مازندران در شمال ایران انجام شده است. ابزار پژوهش مورد استفاده مصاحبه‌های ساختارنیافته و نیمه ساختارنیافته و مشاهده‌ی مشارکتی، در قالب تحقیق میدانی و بررسی مدارک و اسناد موجود بوده است. در این پژوهش نظام بهره‌برداری از عرصه‌ی مورد نظر در سه دوره‌ی تاریخی شامل: از حدود ۳۰۰ سال پیش تا اواخر دوره قاجار، فاصله‌ی زمانی بین اواخر دوره قاجار تا زمان ملی شدن منابع طبیعی و پس از ملی شدن منابع طبیعی مورد بررسی قرار گرفته است و اثرگذاری عامل مالکیت بر عرصه به عنوان کلیدی‌ترین عامل در شیوه‌ی بهره‌برداری در هر دوره به طور مشروح بیان شده است. در کل در روستای مورد نظر انواع مالکیت‌های مشاع، خصوصی به طور کامل فردی و یا وقفی در بین افراد خاص و آمیزه‌ای از آنها در عرصه‌های مختلف جنگلی و مرتعی و برای انواع بهره‌برداری‌های مختلف در طول زمان قابل مشاهده بوده که تحت تاثیر جریان‌های سیاسی و تاریخی خارج از جامعه‌ی روستایی و روند تکامل جامعه‌ی روستایی در طول زمان دچار تغییر و دگرگونی شده است.

واژه‌های کلیدی: مالکیت، وقف، بهره‌ی مالکانه، مدیریت سنتی، روستای چتن

مقدمه

بهره‌برداری انسان از منابع طبیعی پیشینه‌ای به گذشته نسل بشر دارد. انسان اولیه در آغاز همانند دیگر جانداران بوم نظام (اکونظام) با جمع آوری میوه‌ها و گیاهان زندگی می‌کرده و سپس شکار و ماهیگیری به این فعالیت‌ها افزوده شده است و در حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش با رام کردن برخی جانوران وحشی و اهلی نمودن برخی گیاهان به روش‌ها و فناوری‌های دامداری و کشاورزی دست یافته است (Ruholamini, 2003). همزمان با این دگرگونی‌ها، زندگی اجتماعی انسان نیز پیچیده‌تر شده است و انسان برای بهره‌برداری از منابع موجود در پیرامون خود قوانین و مقرراتی را به صورت عرفی به وجود آورده است که تضمین‌کننده بهره‌گیری از منابع بوده‌اند.

در کشور ما پیشینه قانونگذاری بر مبنای قوهی مقننه چندان دیرینه نیست. از این رو در گذشته عرف تنظیم‌کننده روابط افراد و جامعه‌ها با یکدیگر و با محیط پیرامون خود بوده‌اند بنابراین مسایل اجتماعی و از جمله نکات مربوط به مدیریت روستایی ریشه در عرف، عادات و سنن دارد. زیرا هر جامعه با توجه به نیازهای خود رفتارهایی را انجام داده و یا از ابزار و شیوه‌هایی برای تامین رفاه خود سود جسته است که به دلیل پذیرش جمعی و تقلید و تکرار تثبیت شده‌اند و به صورت جزئی از فرهنگ جامعه درآمده‌اند لذا همه‌ی افراد جامعه با آنها آشنا هستند و فرزندان آنان نیز آنها را به طور طبیعی از پدران و مادران خود فرا می‌گیرند و به آنها عمل می‌کنند.

تعدادی از عرف‌های جامعه‌های روستایی و عشایری در مورد مدیریت عرصه‌های طبیعی بوده‌اند زیرا که چنین عرصه‌هایی تأمین‌کننده بسیاری از نیازهای انسانها همانند چراگاه دام، تأمین هیزم و سوخت، زمین کشاورزی و چوب‌های مورد استفاده برای برآوردن دیگر نیازها همانند خانه‌سازی بوده‌اند.

شیوه‌ی مدیریت منابع طبیعی در گذشته علاوه بر عرف تحت تأثیر نظام مالکیت و سطح فناوری در دسترس و نوع نیازهای افراد در تماس با آن منابع بوده است؛ به این صورت که عرف‌ها و قوانین سنتی باعث شکل‌گیری الگوی ویژه‌ای

از مدیریت منابع می‌شده‌اند؛ مالکیت بر زمین شکل قانونی رابطه‌ی انسان بر زمین را مشخص می‌کند. اما نتیجه‌ی چنین رابطه‌ای خود نیز بر روی توسعه و تحول روابط بین انسان‌ها با هم و انسان‌ها و محیط اثر می‌گذارد (Lahsaeizadeh, 1990). برای مثال در بسیاری از روستاهای کشور اراضی پیرامون روستا تا حد مشخصی متعلق به همه‌ی افراد روستا بوده و بهره‌برداری از آن به صورت مشاع صورت می‌گیرد. از طرف دیگر بهره‌برداری مشاع یک نظام مالکیت جمعی بوده است که به دلیل درگیر بودن همه‌ی افراد ذیحق در این عرصه‌ها، اشخاص یا خانواده‌ها به تنهایی اجازه‌ی تصرف یا تغییر کاربری در این اراضی را ندارند، سطح فناوری در دسترس و نیازهای افراد نیز در شکل‌گیری شیوه‌ی مدیریت مهم هستند. برای مثال هنگامی که انسان برای شخم زمین تنها به نیروی دام یا انسان دسترسی دارد، به دلیل محدودیت این منابع توانایی تغییر کاربری در مقیاس گسترده وجود ندارد یا در مناطق سردسیر انواع گونه‌های ویژه‌ای از درختان میوه قادر به استقرار و تولید هستند در صورتی که با تولید ارقام اصلاح شده‌ی جدید گونه‌های بیشتری این توانایی را به دست می‌آورند و این امر باعث شکل‌گیری الگوی دیگری از مدیریت سرزمین در مالکیت‌های مشخص خواهد شد. نیازهای انسانی نیز دارای چنین نقشی هستند به گونه‌ای که نیاز به چوب ساختمانی یا نیاز به استفاده از میوه‌های جنگلی باعث شکل‌گیری روش‌های متفاوت مدیریتی خواهند شد که این روش‌ها در عین حال خود روش‌های عرفی بهره‌گیری از منابع هستند.

در کشور ما در طی نیم قرن اخیر تغییرات بسیار سریع و عمیقی رخ داده است که تأثیر آنها بر همه‌ی افراد جامعه و همه‌ی بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل مشاهده است. یکی از چنین دگرگونی‌ها اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع بوده است که با آغاز اجرای انقلاب سفید، که با هدف مدرن نمودن جامعه‌ی ایران و کاهش قدرت مالکان بزرگ و افزایش کنترل دولت مرکزی طراحی و اجرا شد، روی داد (Azkia, Taleb, 1997). این روند باعث اختلال در اجراء تکامل عادی و

سیاسی و تاریخی مشترکی است. پیوندهای مکانی و دگرگونی‌های زمانی این ساختارها را در ایجاد چارچوب‌های نظری مناسبی برای تحلیل‌های اجتماعی اقتصادی و شناسایی نهادهای ایجاد شده تحت تاثیر مناسبات مالکیت و پیچیدگی‌های موجود در اداره‌ی جنگل‌ها و مراتع راهگشا می‌داند. (Papoli-Yazdi & Labbaf-Khaniki, 2000) نیز مالکیت را یک عامل بسیار مهم در مدیریت مراتع دانسته‌اند که به عنوان یک نهاد اقتصادی با شیوه‌ی زندگی افراد و نظام خویشاوندی در ارتباط است.

تاکنون در برخی حوزه‌های عمومی و تخصصی همانند کشاورزی تلاش‌هایی برای شناسایی شیوه‌ی مدیریت سنتی روستاییان و تغییرات آن در طول زمان صورت گرفته است. اما در حوزه‌ی منابع طبیعی و به طور مشخص در عرصه‌ی جنگل‌ها و مراتع این تلاش‌ها بسیار کم رنگ بوده است و شاید به همین دلیل یک شناخت درست از مدیریت جاری در عرصه‌های طبیعی میسر نشده است. بنابراین چنین تلاش‌هایی به روشن شدن مدیریت و تاریخچه‌ی آن و در نهایت شیوه‌ی فعلی مدیریت عرفی در روستاهای ایران کمک می‌کند، این پژوهش‌ها اگرچه خود پژوهش‌های کاربردی نیستند اما می‌توانند به عنوان مواد خام پژوهش‌های گسترده‌تری، باعث شناخت عمیق شیوه‌ی مدیریت امروزی در جامعه‌های روستایی باشند. در راستای تبیین هر چه بهتر این مساله پژوهشی در روستای چتن از روستاهای جنوب نوشهر در استان مازندران صورت گرفت که این نوشتار از نتایج آن است.

ویژگی‌های منطقه

این پژوهش در روستای چتن از توابع دهستان پنجک‌رستاق، غرب بخش کجور، جنوب شهرستان نوشهر و استان مازندران انجام شده است. چتن روستایی بیلاقی و در بالابند جنگل‌های شمال در ارتفاع ۱۶۵۰ متر از سطح دریا و در میان دامنه‌های شمالی کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است. همان گونه که در تصویر شماره‌ی ۱ دیده می‌شود از سمت شمال با روستای ناصر آباد و تازه آباد، از غرب با روستاهای کیکو و منجیر، از شرق با روستای ساس

تکوین بسیاری عرف‌ها و قوانین حاکم بر مدیریت عرصه‌های موضوع این قوانین شده است. گرچه هدف این بوده است که پس از انجام این عمل یک نظام متمرکز دولتی مدیریت این عرصه‌ها را سازماندهی نماید اما به دلیل دگرگونی‌های پیچیده‌ای که پس از این رویداد در جامعه‌ی ما رخ داده، قوانین مبتنی بر یک نظام متمرکز دولتی نتوانسته است به طور کامل در همه‌ی عرصه‌های طبیعی حاکم شود و هنوز در بسیاری مناطق عرف‌های کهن مبنای مدیریت و بهره‌گیری از این منابع است که نوعی مدیریت سنتی را تشکیل می‌دهند. آگاهی از این رفتارهای اجتماعی باعث اشراف برنامه ریزان و دست‌اندرکاران بر شرایط موجود در جامعه خواهد بود و افزایش میزان موفقیت و آسانی اجرای برنامه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

اما برای رسیدن به آگاهی یاد شده می‌توان پدیده‌ها را به صورت ایستا یا پویا و در طول زمان مورد بررسی قرار داد. در کنار اینکه بررسی پدیده‌ها به صورت ایستا و در یک برهه‌ی زمانی کوتاه آسان‌تر و منابع موجود در مورد آنها بیشتر است اما بسیاری از صاحب‌نظران مسایل انسانی، بررسی پدیده‌ها در طول زمان را ضروری‌تر تشخیص داده‌اند. چنانچه (Lahsaeizadeh, 1990) با تاکید بر این امر بیان می‌کند که: هر گونه تلاش برای شناخت دقیق مدیریت فعلی در عرصه‌های طبیعی بدون در نظر گرفتن بعد تاریخی کامل نخواهد بود زیرا هیچ پدیده‌ی اجتماعی یک باره به وجود نیامده و یک باره از بین نخواهد رفت، پدیده‌های اجتماعی را بایستی در طول زمان بررسی نمود. (Glasser, 1995) نیز بیان می‌کند که: آماده نمودن عملی طبیعت برای بهره‌برداری انسان باید از جنبه‌ی تاریخی بررسی شود به ویژه این مساله قابل توجه است که همبستگی‌های ساختاری و تاریخی در رابطه‌ی انسان و طبیعت و نیز رابطه‌ی انسان‌ها با هم بایستی در درون محیط زیست بدون واسطه با آنها مورد بررسی قرار گیرد. (Brown, 2003) با تاکید بر رابطه‌ی زمانی و مکانی دگرگونی‌های انسانی و طبیعی، بررسی تاریخی مناسبات مالکیت و تحت پوشش آن مدیریت، به صورت جامع در سرتاسر منطقه‌ای که دارای شرایط اجتماعی، اقتصادی،

گذشته با نیروی انسان یا دام شخم می‌شده‌اند اما در حال حاضر به طور کلی کشت و کاری در آنها صورت نمی‌گیرد. علاوه بر زمین‌های دیم، در بستر دره‌های نزدیک به روستا مقداری زمین مسطح و قابل آبیاری وجود دارد که در قسمت عمده‌ی این زمین‌ها به دلیل سنگلاخی بودن امکان کشت و کار وجود ندارد و از آنها به عنوان علفزار بهره‌برداری می‌شود. در بخش محدودتری از این زمین‌ها که دارای خاک مناسب و کمتر سنگلاخی هستند هر ساله گیاهانی همچون لوبیا و سیب زمینی و بعضی سبزی‌ها با هدف خود مصرفی کشت می‌شود. در حال حاضر در چتن مقداری باغ میوه نیز وجود دارد که درخت میوه‌ی عمده در آنها سیب است. همچنین پایه‌های قدیمی تری از درختان گردو و فندق نیز در این باغ‌ها وجود دارد.

در چتن ۷۲۰ راس گاو و ۱۹۰۰ راس گوسفند و بز وجود دارد. در روستای یاد شده بیشتر خانوارها دارای چند راس دام هستند که برای تأمین مصارف لبنی خانواده نگهداری می‌شود. این دام‌ها را چکی‌مال یا کتول‌مال می‌نامند. علاوه بر دام‌های کتول، در روستا سه گله‌ی گاو و ده گله‌ی گوسفند وجود دارد که به صورت نیمه متحرک نگهداری می‌شوند^۲ (Avatefi Hemmat, 2006).

روش پژوهش

این نوشته بخشی از نتایج یک پژوهش گسترده‌تر در زمینه‌ی دانش بومی مرتبط با منابع طبیعی است که ابزار گردآوری اطلاعات در آن مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و ساختار نیافته و مشاهده‌ی مشارکتی بوده، همچنین از دیگر ابزار کمکی همانند نقشه‌های پستی و بلندی رقومی و GPS^۳، برای تهیه‌ی موقعیت مکانی سراها و مرز سامانه‌های عرفی، و از تحلیل تاریخی مدارک و اسناد کتبی موجود برای تحلیل نظام مدیریتی روستا در طول سه قرن

و از جنوب با مراتع نمازگاه و نیرکلم^۱ هم سامانه است. این روستا با ۳۴۳۱ هکتار مساحت، دارای ۲۲۳۷ هکتار جنگل، ۹۰۶ هکتار مرتع ۲۷۹ هکتار زمین کشاورزی دایر و بایر و علفزار و ۹۰۵ هکتار مناطق مسکونی می‌باشد.

چتن دارای ۱۴۸ خانوار ساکن دائمی و جمعیتی برابر با ۷۲۵ نفر و ۷۵ خانوار موقت با جمعیت حدود ۳۷۳ نفر است که تنها در فصل تابستان به روستا می‌آیند. روستای یاد شده یکی از روستاهای پرجمعیت منطقه‌ی کجور است. گروه قومی عمده‌ی روستا طایفه‌ی سینکایی است که بیشتر ساکنان چتن را تشکیل می‌دهند. بر طبق نتایج مصاحبه‌های انجام شده با افراد مسن روستا و دست یافتن به یک سند تاریخی اجداد سینکایی‌ها دستکم در بیشتر از ۳۰۰ سال پیش از روستای سینک در شهرستان لواسان و جبهه‌ی جنوبی رشته کوه‌های البرز و پیرامون دماوند به منطقه فعلی آمده‌اند، پیش از مهاجرت سینکایی‌ها به چتن، طایفه‌ی قصاب در این محل ساکن بوده‌اند که نتایج این طایفه در حال حاضر درصد بسیار کمی از جمعیت چتن را تشکیل می‌دهند. علاوه بر سینکایی‌ها، طایفه‌ی پر جمعیت دیگر در این روستا، فاطمی‌ها هستند که چادرنشینی بوده‌اند که محل اصلی زندگی آنان پیرامون دماوند در قسمت جنوبی کوه‌های البرز بوده است و پس از استقرار سینکایی‌ها به روستا آمده‌اند، فاطمی‌ها در حال حاضر دومین طایفه‌ی پرجمعیت چتن پس از سینکایی‌ها هستند. طایفه‌ی سوم ساکن در چتن طایفه‌ی تقوی است. تقوی‌ها از مناطق پیرامون شهرستان نور به چتن مهاجرت کرده‌اند. علاوه بر این چهار طایفه، خانوارهای دیگری نیز به صورت پراکنده و در طول سالیان پیش در چتن ساکن شده‌اند که همه‌ی این گروه‌ها در حال حاضر دارای پیوندهای نسبی و سببی با همدیگرند (Avatefi Hemmat, 2006).

زمین‌های قابل کشاورزی روستای چتن به طور عمده در غرب روستا و بر روی دامنه‌های آفتابگیر شرقی واقع شده‌اند. در دامنه‌های غربی نیز مقدار کمی زمین کشاورزی وجود دارد، کمترین مقدار زمین کشاورزی در دامنه‌های شمالی است. این زمین‌ها به صورت دیم هستند و در

۲- دام متحرک دامی است که در طول سال در سه نقطه بیلاق، میان بند و قشلاق تغلیف می‌شود و دام نیمه متحرک دامی است که بی‌شینه در دو نقطه از سه نقطه‌ی بالا تغلیف می‌شود.

۳- Global positioning system

۱- Nirkelem

۲- از اواخر دوره‌ی قاجار تا هنگام مل شدن منابع طبیعی (دوره‌ی گذار)

۳- از زمان ملی شدن منابع طبیعی تا حال حاضر در هر دوره، مالکیت‌های متفاوت عمومی و خصوصی بر عرصه‌های روستا وجود داشته است و در نتیجه‌ی آنها مدیریت و نوع بهره‌برداری‌های متفاوتی با قوانین عرفی خاص حاکم بوده است.

- مدیریت عرصه‌ی روستا از اوایل قرن دوازدهم هجری قمری تا اواخر دوره‌ی قاجار

در مورد مدیریت عرصه‌ی روستای چتن مهم ترین مساله، مالکیت بر عرصه است که به طور مستقیم و غیرمستقیم دیگر موارد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. روستای چتن یک روستای وقف شده است که همه آب خور و علف خور آن در تاریخ دوشنبه بیست و سوم صفر ۱۱۱۶ قمری^۱ از طرف احمدعلی و علی‌اکبر فرزندان فردوس ملقب به سینکا وقف اولاد پسر شده است (به پیوست شماره‌ی اول مراجعه شود). این مساله باعث شده تا امکان افراز فراهم نشده و تا مدت‌های طولانی روستا افراز نشده و مشاع مدیریت شود. همه‌ی افراد خاندان سینکایی، از همه مناطق روستا سهم داشته باشند و بهره‌برداری دیگر اهالی مستلزم اجازه‌ی آنها باشد.

بنابر نتایج بدست آمده از تحلیل اسناد موجود و گفته‌ی افراد مسن روستا در گذشته سامانه ه عرفی روستای چتن بسیار گسترده تر از مرزهای پس از ملی شدن بوده است و علاوه بر عرصه‌های فعلی که محدود به بالابند هستند شامل ۱۲ عرصه جنگلی میان‌بند و قشلاقی مشخص تا کنار دریای خزر بوده که در اصطلاح اهالی آنها را مرتع^۲ می‌نامند. کارکرد اصلی این عرصه‌ها بهره‌گیری از آنها در

گذشته استفاده شده است. فرآیند جمع آوری اطلاعات در حدود ۱۵ ماه ادامه داشته است که به صورت اسکان‌های موقت از ۳ تا ۵۳ روز پیوسته در طی فصول مختلف انجام شده است.

در این پژوهش برای گزینش اطلاع رسانی، روش نمونه‌برداری گزینشی زنجیری به کار گرفته شد و فرآیند جمع آوری اطلاعات تا زمانی ادامه یافته که مصاحبه‌ها اطلاعات جدیدی به یافته‌های پژوهشگر نمی‌افزوده است. مصاحبه‌ها اغلب به صورت مشارکتی یا انجام عملیات مختلف کشاورزی، در حین انجام کارهای مربوط به جنگل همانند تهیه‌ی هیزم، چوب کار و چرده، انجام کار در باغ‌های میوه، در حین گوسفندچرانی و همراهی یا گله‌های دام یا هنگام بیکاری در شب نشینی‌ها به صورت انفرادی یا گروهی، شرکت در مراسم مختلف همانند عروسی یا حضور در مسجد، در اماکن عمومی و در میان گروه‌های مختلف اعم از مردان، جوانان و زنان انجام می‌شد.

روایی پژوهش با جمع بندی و مقوله بندی مرتب یافته‌ها در فاصله زمانی هر دو هفته یک بار در مدت انجام پژوهش در روستا و ارایه‌ی آنها به صورت منظم به اطلاع‌رسانان بوده است تا از این راه مواردی را که نادرست فهم شده یا منتقل شده‌اند اصلاح شوند و اطلاع‌رسانان ضمن با اهمیت یافتن اطلاعات خود در ادامه‌ی انتقال دانسته‌های خود دریغ نوزند همچنین اطلاعاتی مستند تلقی شده و مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند که از طرف اطلاع‌رسانان متفاوت بیان شده‌اند یا از طرف چندین اطلاع رسان بیان/تایید شده‌اند (Bates, Spradley & D. McCurdy, 1993). (Silverman, 2002, & Plog, 1997).

نتایج

به طور کلی می‌توان سه دوره‌ی مالکیتی و مدیریتی متفاوت در روستای مورد مطالعه را به شرح زیر از هم تفکیک نمود:

۱- از زمانی که مدارک و اسناد موجود و اطلاعات بدست آمده از مصاحبه‌ها اجازه‌ی اظهار نظر درباره آن را می‌دهند (اوایل قرن دوازدهم قمری) تا اواخر دوره‌ی قاجار

۱- برابر ۱۰۸۳ خوشی‌دی و ۱۷۰۴ میلادی

۲- مرتع در اصطلاح اهالی صرفنظر از پوشش گیاهی غالب آن، عرصه‌ای است با مرزهای مشخص از دی‌گر عرصه‌های پی‌رامون که کاربرد اصلی آن برای تامین چراگاه دام بوده و به طور معمول در وسط آن سرای برای اطراق و استراحت دام و چوپانان وجود دارد. در این نوشتار منظور بهره‌برداری از مرتع این مفهوم عمومی است.

درختان در اواخر تابستان و نگهداری آنها برای تغذیه‌ی دام در فصل زمستان بوده است. بهره‌برداری از عرصه به عنوان چراگاه دام در چتن به دو صورت عمده بوده است:

چراگاه دام‌های کتول (چکی)

هر خانوار روستایی برای تامین نیاز لبنی اعضا، مبادرت به نگهداری از چند راس گاو یا گوسفند و بز می‌کرد. این دام‌ها را کتول مال یا چکی مال می‌گفته‌اند. چراگاه این دام‌ها مراتع نزدیک پیرامون روستا بوده که دام‌ها صبح وارد آنها شده و اغلب غروب به روستا برمی‌گشته و آن را کتول چر می‌گفته‌اند. عرصه‌ی کتول چر دارای حدود مشخصی بوده که دام کتول حق چرا در آن را داشته و نمی‌توانسته خارج از آن چرا کند این محدوده برای همه اهالی روستا و مختص همه طول سال بوده است. هر خانوار روستایی می‌توانسته هر چند راس دام کتول را نگهداری کند و بابت چرای دام در عرصه، هیچ گونه حقوقی به کسی پرداخت نمی‌شده است. حتی خانواده‌های غیرسینکایی با اینکه هیچ گونه حقوقی بر عرصه نداشته‌اند به صورت رایگان از عرصه کتول چر بهره‌برداری می‌کرده‌اند.

چراگاه دام‌های گله (مال)

علاوه بر عرصه‌ی کتول چر، سطح قابل توجه‌ای از عرصه، چراگاه دام‌های گله‌ای^۲ بوده است. عرصه‌ی اختصاصی مورد استفاده‌ی دام‌های گله‌ای روستای چتن برای شیوه‌ی دامداری متحرک تکامل یافته و شامل مراتع قشلاقی میان بند و بیلاقی بوده و مالکیت همه‌ی آنها به صورت مشاع در اختیار سینکاییها بوده است. دام‌هایی که در این مراتع تعلیف می‌شده‌اند در طول سال یک چرخه‌ی کامل از کنار دریای خزر در نزدیکی چالوس تا ارتفاعات البرز مرکزی در ضلع شرقی پناهگاه حیات وحش گلستانک فعلی در مناطق پیرامون روستا را طی می‌کرده‌اند. یعنی زمستان را در

یک نظام زندگی مبتنی بر دامداری بوده که دام در طول یک سال با توجه به فصل و وضعیت آب و هوا یک چرخه‌ی کامل از عرصه‌های کنار دریا تا ارتفاعات بیلاقی و برعکس را طی کند. مراتع بیلاقی شامل چمرسرای، لت‌سی، سنگ‌سرک و خرک‌نو و مراتع میان‌بند شامل حری، چاخنی، ورگان‌سرای، شرک، چارسی، گزرک، دارشت، شاهرود و مراتع قشلاقی شامل باکلی‌جار، جینزو سینکا، آریان و نجیر بوده‌اند. همه‌ی مراتع میان‌بند و قشلاقی جنگلی بوده‌اند که در حال حاضر در محدوده‌ی طرح‌های جنگلداری شرکت طوبی شمال از شمال روستا تا کنار دریا در نزدیکی شرق چالوس و محدوده‌ی روستای کوشک‌سرا که در حال حاضر محل زندگی قشلاقی بسیاری خانوارهای چتنی که تنها در فصل تابستان به چتن می‌آیند؛ پراکنده هستند

پس از وقف حق استفاده‌ی^۱ همه‌ی این عرصه‌ها خصوصی و مختص طایفه‌ی سینکایی بوده است اما دارای ترتیبات و ملاحظات مدیریتی ویژه‌ای بوده که در ضمن بیان روش‌های بهره‌برداری در زیر بیان خواهد شد.

در این دوره بهره‌برداری اهالی از عرصه‌ی روستا شامل بهره‌برداری برای دامداری، کشاورزی، تهیه‌ی چوب برای خانه‌سازی، زغالگیری و غیره بوده است که در زیر به اختصار بیان می‌شود.

بهره‌برداری از عرصه به عنوان چراگاه دام

در زمان گذشته در منطقه‌ی مورد بررسی بهره‌برداری اصلی جنگل و مرتع برای دامداری بوده است. تعلیف دام از عرصه‌های یاد شده به صورت چرای مستقیم دام در عرصه، بهره‌برداری از شاخ و برگ درختان برای تعلیف روزانه‌ی دام‌ها در فصل رویش - به ویژه گوساله‌ها - و بهره‌برداری از داروآش و داردوست و همیشک در هنگامی که علوفه‌ی کافی یافت نمی‌شده و جمع‌آوری برگ‌ها و شاخه‌های نازک

۲- دام گله‌ای دامی است که به تعداد زیاد اغلب متعلق به مالکان محدود است و به طور عموم در فصل‌های بهار و تابستان شبها به روستا بر نمی‌گردد بلکه در مرتع می‌ماند. نگهداری از دام گله‌ای اغلب وظیفه‌ی مردان است.

۱- در هنگام وقف شدن یک عرصه یا شی مالکیت خصوصی از آن ساقط شده و به جای آن از حق استفاده صحبت می‌شود.

و از علوفه‌ی جنگلی برای تامین غذای زمستانی دام‌ها استفاده می‌شده است. در این موارد نیز جنگل در اختیار سینکایی‌ها بوده است و دیگران حق بهره‌برداری نداشته‌اند و در صورت استفاده باید بهره‌ی مالکانه می‌داده‌اند. اما جمع‌آوری گیاهان برای استفاده‌های انسانی رایگان بوده است. در دیگر موارد برای مثال خانه‌سازی، اگر فرد سینکایی نبوده است بهره‌ی مالکانه پرداخت می‌کرده که ممکن بوده پول نقد یا نیروی کار باشد.

بهره‌برداری عمده دیگر در این زمان زغالگیری در جنگل بوده که زغال تولیدی از آن در بازار شهرهای جنوب البرز از جمله تهران فروش می‌رفته، زغالگیری در محدوده کتول چر یا مراتع روستا ممکن بوده، محل کوره‌ی زغال با توافق کدخد و زغالکار مشخص می‌شده است و برای زغالگیری همه درختان پیر و جوان از هر گونه‌ای قطع و تبدیل به زغال می‌شده‌اند. زغالکاران نیز در ازای بهره‌برداری از جنگل به سینکایی‌ها بهره‌ی مالکانه می‌داده‌اند. میزان بهره‌ی مالکانه در سال‌های مختلف متفاوت و بر پایه شمار کوره‌ی زغال به ازای هر ماه بوده است. برای مثال - در اوایل قرن حاضر - اگر یک کوره‌ی زغال یک ماه دود می‌کرده بهره‌ی مالکانه زغال آن یک تومان بوده که از طرف زغالکار به کدخدا داده می‌شده و کدخدا همانند دیگر درآمد، بین افراد پسر طایفه‌ی سینکایی تقسیم می‌کرده است.

افزون بر زغال و چوب ساختمانی، بهره‌برداری دیگری که از جنگل می‌شده است تهیه چرده^۲ برای دام به صورت تازه یا انبار آن برای فصل زمستان بوده است. چرده‌گیری به طور معمول در عرصه‌ی کتول چر جنگل و به صورت مشاع انجام می‌شده است یعنی هیچ گونه حق اختصاصی برای چرده‌گیری وجود نداشته است.^۳

۲- چرده در زبان اهالی منطقه به معنی برگ درخت و در اصطلاح شاخه‌های نازک برگ‌دار درختان است که از اوایل بهار تا اوایل پاییز به صورت روزانه از جنگل تهیه می‌شود و به عنوان علوفه به دام‌هایی که در خانه نگهداری می‌شوند داده می‌شود. همانگونه که در بالا اشاره شد چرده برای فصل زمستان نیز ذخیره می‌شود.

۳- البته چرده‌گیری دارای نظمی دقیق بر حسب زمان استفاده، گونه‌های درختی، و نیز طریقه‌ی وی‌ژه قطع شاخه‌های مورد نظر بوده است. این موارد جزء دانش فنی و بومی روستاییان بوده که علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به منبع شماره‌ی ۲ مراجعه نمایند.

عرصه‌های کم ارتفاع کنار دریای خزر، بهار و پاییز را در مجموعه‌ای از عرصه‌های میان‌بند و تابستان را در عرصه‌های بالابند می‌گذرانیده‌اند. این مراتع هر ساله از طرف سینکایی‌ها به دامداران محلی یا دامداران دیگر روستاها اجاره داده می‌شده است. در این مورد ممکن بوده که دامداران اجاره‌کننده از طایفه‌ی سینکایی نیز بوده باشند که باز هم بهره‌ی مالکانه بر پایه قرارهای موجود از آنها اخذ می‌شده است. به طور معمول در هر مجموعه‌ی مرتعی که شامل یک یا چند اطرافگاه مفروز در هر یک از مجموعه‌های قشلاق و میان‌بند و یک اطرافگاه ییلاقی به طور معمول مشاع بوده، بیش از یک دامدار و در کل آنها چهار گروه دامدار مستقر می‌شده است. بهره‌ی مالکانه‌ی سالانه هر مجموعه‌ی مرتع ییلاقی، میان‌بند و قشلاقی یک لتر^۱ کره بوده است که کدخدای روستا به نمایندگی از طرف سینکایی‌ها دریافت می‌کرده و به نسبت نامساوی بین آنها تقسیم می‌نموده. یعنی ممکن بوده که به فردی مقدار بیشتری و به فرد دیگری مقدار کمتری تعلق گیرد. مقدار مورد نظر از روی شمار برادران و نسبت فرد مورد نظر تا افراد واقف تعیین می‌شده است.

زمان ورود به مرتع به نسبت ثابت و از اواخر خرداد تا اواخر شهریور بوده که بنابر وضعیت آب و هوا و مرتع از سالی به سال دیگر تا اندازه‌ای متغیر بوده که با توافق دو طرف معین می‌شده است. دام‌ها در هر فصل در منطقه‌ای مشخص به چرا می‌پرداخته‌اند و پس از آن به مرتع دیگری می‌رفته‌اند. جابه‌جایی در این مراتع بر پایه فصل، توانایی دام برای چرا و اسکان و علوفه‌ی در دسترس بوده است.

بهره‌برداری از عرصه و اعیان جنگل برای ساختن خانه، زغالگیری و جمع‌آوری گیاهان با هدف استفاده‌های انسان یا دام

چوب درختان جنگلی برای ساختن خانه‌های روستایی و تعمیر آنها ماده‌ی اصلی در دسترس بوده است. همچنین از درختان جنگلی برای تهیه هیزم برای برآورده ساختن نیازهای گرمایی در فصل سرد و پخت و پز در همه‌ی فصول

۱- یک لتر (litar) برابر با ۲۴ دازه (daze) و هر دازه دو کیلوگرم واحد وزن و در کل ۴۸ کیلوگرم است.

افرادى که بر روی آن زمین‌ها کار می‌کرده‌اند بهره‌ی مالکانه می‌گرفته است، اما پس از آن رویدادهای مهم تری روی داده است که به صورت جزیی تر در بندهای بعدی بررسی می‌شود.

مالکیت عرصه‌ی روستا در سال‌های حکومت رضاشاه پهلوی

در سال‌های اولیه حکومت پهلوی یکی از خانواده‌های متمکن محلی به نام *مختاری* که در روستای *ناصرآباد* ساکن بوده‌اند در ازای پرداخت پول یا کالا به روستاییان به تدریج مالک بسیاری زمین‌های کشاورزی و جنگلی چتن می‌شوند، با تصرف زمین توسط خاندان *مختاری*، آنان از روستاییان برای چرای دام در مرتع بهره‌ی مالکانه و از زمین‌های کشاورزی مالیات می‌گرفته‌اند و چوب و زغال جنگل از طرف آنان فروخته می‌شده، میزان بهره‌ی مالکانه‌ی استفاده‌ی دام از مراتع همانند پیش ثابت و مالیات زمین‌های کشاورزی نقدی و جنسی شامل پرداخت مبلغی پول و سهمی از محصول تولیدی بوده است چوب و ذغال نیز فروخته می‌شده است اما مختاری‌ها بر عرصه‌ی کنترل چر روستا مالکیتی نداشته‌اند. در این هنگام درآمدهای بدست آمده از جنگل‌های پیرامون روستا که کنترل چر دام‌های اهالی بوده است، به خود آنان تعلق می‌گرفته است و مردم روستا برای تهیه‌ی چوب ساختمانی هیزم، چرده و غیره از عرصه‌ی کنترل چر استفاده می‌کرده‌اند.

رضاخان پهلوی نیز در سال ۱۳۱۵ همزمان با خریداری بسیاری از عرصه‌های طبیعی منطقه‌ی نوشهر و چالوس، عرصه‌های متعلق به روستاییان چتنی را نیز خریداری می‌نماید و همه املاک روستا جزء املاک خالصه‌ی خاندان پهلوی می‌شود. در این دوره روستاییان هیچ گونه بهره‌ی مالکانه‌ای پرداخت نمی‌کرده و به کشاورزی و دامداری خود ادامه داده‌اند تا اینکه در سال ۱۳۲۶ محمدرضا پهلوی در ازای دریافت مبلغی که پدرش در ازای خرید املاک روستا به مردم پرداخت نموده بود، عرصه‌ی روستا را به مردم باز پس می‌دهد. این مبلغ در بین مردم روستا به حق ثمن

علاوه بر بهره‌برداری‌های عمده‌ی بالا از عرصه و اعیان جنگل و مرتع بهره‌برداری‌های دیگری نیز از درختان جنگلی یا فراورده‌های دیگر جنگلی رایج بوده که در حال حاضر از رونق افتاده است از جمله این بهره‌برداری‌ها، تهیه‌ی طناب از پوست برخی درختان جنگلی همچون اوجا و ملج یا ساخت ابزار و ادوات کشاورزی و دامداری از درختان جنگلی همانند خیش گاو برای شخم زمین و سطل و ادوات مورد نیاز انسان همانند قاشق‌های چوبی، نردبان و غیره بوده است. همه‌ی غیرسینکایی‌ها در مقابل همه‌ی این بهره‌برداری‌ها و بهره‌گیری از هیزم جنگل یک لتر کره، به سینکایی‌ها می‌داده‌اند.

بهره‌برداری از عرصه برای کشاورزی

حق بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی و علفزارها نیز مختص سینکایی‌ها بوده است اما هر قطعه زمین مالک مشخص داشته ولی حق بهره‌برداری همانند جنگل و مرتع، بین آنان مشاع نبوده است. به این صورت که زمین از پدران به فرزندان پسر به ارث می‌رسیده است. همچنین آنان می‌توانسته‌اند به آباد کردن جنگل^۱ و تبدیل آن به زمین کشاورزی اقدام نمایند. گر چه این عمل مستلزم کسب اجازه و پرداخت بهای جنگل به دیگر مالکان بوده است.

- مدیریت عرصه‌ی روستا در زمان گذار (حدوداً از

سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۴۲)

با اینکه عرصه‌ی پیرامون روستای چتن و دیگر عرصه‌های متعلق به افراد آن روستا، در میان‌بند و قشلاق وقف بوده است اما در دوره‌های مختلف و به طور موقت توسط افرادی و به طور عموم از خارج از روستا تصاحب شده است. از جمله فردی به نام امیراسعد در اواخر حکومت قاجاریه مقداری از زمین‌های کشاورزی روستا را در عوض مالیات و به نام دولت تصرف کرده و سپس برای دوره‌ای کوتاه از

۱- مفهوم آباد کردن جنگل در اینجا همان مفهومی است که روستاییان در نظر می‌گیرند و به صورت تبدیل جنگل به اراضی کشاورزی و مسکونی نمود می‌یابد و متفاوت از آباد کردن در معنای دانشگاهی آن است.

نشده و در نقشه‌ی شماره‌ی ۲ مشخص است. مساحت هر کدام از آنها نیز در جدول ۱ آمده است.

در مورد دیگر مراتع میان بند و پایین بند که نام آنها در پیش آمد؛ ترتیبات مالکیتی زمان رضاخان پهلوی ادامه می‌یابد یعنی حق بهره‌برداری بخش عمده‌ای از عرصه‌ی مورد بهره‌برداری سینکایی‌ها در مراتع میان بند و پایین بند از آنها گرفته شده در اختیار خاندان مختاری باقی می‌ماند.

بهره‌برداری از مراتع و اجاره‌ی آنها در این زمان همراه با تنش و دشواری‌های بوده است. یعنی وراثت خاندان سینکایی آنها را متعلق به خود می‌دانسته‌اند از طرفی نیز افراد خاندان مختاری مالک قانونی این عرصه‌ها بوده‌اند. در مورد دیگر استفاده‌ها در محدوده‌ی فعلی سامانه ه عرفی روستا همانند حق بهره‌برداری از کنترل چر، تهیه‌ی چوب ساختمانی از جنگل و غیره همانند زمان رواج وقف عمل می‌شده است که در بندهای قسمت یک آمده است.

- مدیریت عرصه‌ی روستا پس از ملی شدن تا زمان حاضر (۱۳۴۲-۱۳۸۴)

با اجرایی شدن قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۲، کلیه‌ی عرصه‌های طبیعی روستای چتن ملی شده و مالکیت آن در اختیار دولت قرار گرفته است. اما روستاییان در سال‌های اولیه‌ی پس از ملی شدن با پرداخت حق علف‌چر و بهره‌ی مالکانه به دولت از عرصه و اعیان منابع ملی شده برای برآورد نیازهای خود به شیوه‌ی گذشته بهره‌برداری نموده‌اند که پس از چند سال اجبار پرداخت بهره‌ی مالکانه به دولت نیز از بین می‌رود. در زیر به این موارد اشاره می‌شود.

معروف است و مبلغ آن ۱۴۴۳ ریال بوده است (به پیوست دوم مراجعه شود).

مالکیت عرصه‌ی روستا پس از رضاشاه پهلوی تا

سال ۱۳۳۰

هنگامی که رضاخان چتن را خریداری می‌نماید مختاری‌ها نیز به همراه دیگر اهالی، زمین‌های کشاورزی و جنگلی و مرتعی خود را می‌فروشند و پس از او در سال ۱۳۲۶ بازپس می‌گیرند. اما با پیگیری چند نفر از روستاییان و با کمک اداره‌ی اوقاف در یک دوره کشمکش و شکایت بین خاندان سینکایی و مختاری در دادگاه‌های تهران و تنکابن سرانجام در سال ۱۳۳۰، با حکم دادگاه، مالکیت مختاری‌ها بر املاک روستای چتن لغو و این اراضی به روستاییان بازگردانده می‌شود^۱. اما در این زمان تنها سامانه ه عرفی روستا شامل این حکم می‌شود و دیگر مراتع میان‌بند و قشلاقی روستا که قسمت عمده‌ی آن در دست مختاری‌ها و قسمت کمتر آن در دست دیگر اهالی روستا بوده به همان صورت باقی می‌ماند. (به پیوست دوم مراجعه شود).

حق استفاده از عرصه‌ی روستا از سال ۱۳۳۰ تا زمان

ملی شدن منابع طبیعی (۱۳۳۰ - ۱۳۴۲)

پس از آنکه حکم دادگاه که با پیگیری افراد طایفه‌ی سینکایی و اداره‌ی اوقاف بدست آمده، عرصه‌ی فعلی روستای چتن که محدوده‌ی مراتع ییلاقی و سامانه ه عرفی روستا است به خاندان سینکایی تعلق می‌گیرد. این عرصه شامل کنترل چر روستا و چهار مرتع چمرسرای، لت‌سی، سنگ‌سرک و خرکنو بوده است. مرزهای این مراتع که عوارض طبیعی یال و دره است در طول زمان دچار تغییر

۱- در آن زمان استدلال افراد خاندان سینکایی چنین بوده که اراضی روستای چتن وقف نسل اندر نسل بوده و قابل واگذاری به غیر نبوده است اگرچه خاندان مختاری در دوره‌ای مقداری از آن را خریداری نموده و سپس با اعمال قدرت و تنگ کردن عرصه بر روستاییان مقدار بیشتری از آن را در اختیار گرفته‌اند.

جدول ۱- مساحت هر یک از مناطق یاد شده در متن پیش و پس از ملی شدن به هکتار

مرتع	اینگا	چمرسرای	لت‌سی	سنگ‌سرک	خرک نو	کتول‌چر	جمع
زمان پیش از ملی شدن	۰	۱۶۲	۵۷۷	۳۲۹	۴۴۰	۱۶۳۵،۵	۳۱۴۳،۵
پس از ملی شدن	۱۲۱	۱۶۲	۹۰۶	۰	۴۴۰	۱۵۱۴،۵	۳۱۴۳،۵

بهره‌برداری از عرصه برای چراگاه

دام‌های گله‌ای روستای چتن در حال حاضر دام‌های نیمه متحرک هستند. در حال حاضر بیشترین کاربرد عرصه‌های طبیعی روستای چتن برای روستاییان چراگاه دام است. محوطه‌های کتول‌چر جنگلی و مرتعی روستای چتن با اندک تغییراتی نسبت به گذشته مورد چرای دام‌های کتول و گله‌ای قرار می‌گیرد، دام‌های کتول یا چکی که ممکن است گاو یا گوسفند و بز باشند از محوطه‌ی کتول‌چر روستا استفاده می‌نمایند. گاوهای کتول صبح از خانه خارج می‌شوند. بدون مواظبت چوپان در پیرامون روستا در جنگل یا زمین‌های کشاورزی به چرا می‌پردازند و غروب به روستا بر می‌گردند. گوسفندهای کتول در روزهایی از سال در روستا و اغلب در فصل‌های بهار و تابستان همراه گله‌های بزرگ به مراتع ییلاقی می‌روند و پاییز و زمستان به روستا بر می‌گردند. در این دوره گله روزها به چرا برده می‌شوند و شب‌ها به روستا برگردانده می‌شوند.

گذشته از دام‌های کتول، گله داران روستای چتن نیز از عرصه‌های پیرامون روستا برای تعلیف دام‌های خود بهره‌برداری می‌نمایند؛ به این ترتیب که در حال حاضر در مراتع/اینگا که پس از ملی شدن از عرصه‌ی کتول‌چر روستا جدا شده و به صورت یک سامانه ه عرفی مفروز اداره می‌شود و چمرسرای که از پیش یک مرتع مشخص بوده؛ دام‌های یک دامدار عمده چتنی و شمار زیادی از دام‌های دیگر اهالی روستا تعلیف می‌شوند. به این ترتیب که این دامدار خود حدود بیست راس گاو دارد و به استثنای فصل زمستان، در کنار نگهداری دام‌های خود دام دیگر اهالی را در ازای مزد نقدی یا جنسی نگهداری می‌نماید، گاوهای این گله زمستان را در روستا می‌گذرانند و در اواخر

اردیبهشت به سرای/اینگا منتقل می‌شوند. این دام‌ها تا اواخر تیرماه در این محل می‌مانند و سپس به چمرسرای منتقل می‌شوند. با آغاز فصل پاییز دوباره به سرای اینگا و در اواخر مهر ماه به گت‌چال^۱ که ملک خصوصی کشاورزی مالک اصلی است و در ارتفاع کمتری قرار دارد منتقل می‌شوند و با آغاز زمستان دوباره به روستا برگردانده می‌شوند. البته در این زمان نیز از عرصه‌های کتول‌چر بهره‌برداری می‌نمایند (به نقشه‌ی شماره‌ی ۱ مراجعه شود).

دام‌های دو خانوده‌ی گاودار دیگر زمستان را در روستا می‌گذرانند و به صورت دستی تعلیف می‌شوند. سپس در اوایل اردیبهشت به سرای کل‌چال^۲ - با شرایطی همانند گت‌چال - منتقل می‌شوند. این دام‌ها اوایل تیر ماه به سرای/یوار منتقل شده و تا پاییز در آنجا می‌مانند. /یوار نیز همچون /اینگا پس از ملی شدن از عرصه‌ی کتول‌چر روستا جدا شده است اما بر خلاف اینگا دارای مرزهای مشخصی با عرصه‌ی کتول‌چر روستا نیست. این دام‌ها نیز در اوایل پاییز دوباره به کل‌چال و در زمستان به روستا برگردانده می‌شوند.

گوسفندداران نیز دارای مجموعه‌ای چراگاه می‌باشند. دام‌های آنان در فصل زمستان در روستا به صورت دستی تعلیف می‌شوند. در بهار در مناطق پیرامون روستا همچون لالش، ایب، جهان و لیپ چال - در محوطه‌ی کتول‌چر روستا - چرانده می‌شوند تا اینکه در اواخر خرداد به سرای لت‌سی منتقل می‌شوند.

پس از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع ۱۴ نفر از اهالی روستای چتن در مرتع لت‌سی پروانه‌ی چرا گرفته‌اند. این

۱- Gatchal

۲- Kelchal

شیوه‌ی اداره‌ی علفزارها و زمین‌های کشاورزی

روستای چتن یک روستای خرده مالک کشاورزی بوده است بنابراین اصلاحات ارضی تغییری در مالکیت آن ایجاد نکرده است و مالکیت اصلی زمین‌ها در اختیار سینکایی‌ها باقی مانده است. اما در حال حاضر خرید و فروش زمین صورت می‌گیرد و شمول قانون وقف کم شده است بنابراین افراد غیر از طایفه‌ی سینکایی نیز دارای قطعه‌هایی از زمین هستند. همانگونه که پیشتر بیان شد مقداری از زمین‌های کشاورزی روستا به کشت علوفه اختصاص داشته‌اند. این زمین‌ها در حال حاضر نیز دارای کاربری قدیم هستند. پیرامون آنها از اوایل بهار چپر می‌شود و از ورود حیوانات اهلی و وحشی به آنها جلوگیری می‌گردد. این علفزارها در اوایل مرداد با نیروی دست تراشیده می‌شوند، پس از پایان کار علف‌تراشی، قرق علفزارها شکسته می‌شود تا دام‌ها بتوانند پس چر آنها را چرا نمایند تا دوباره در بهار سال دیگر چپرهای آنها تازه شود.

در حال حاضر کشاورزی در روستای چتن محدود به مقدار کمی کشت آبی در درون دره‌هایی است که خاک مناسب کشاورزی دارند. در این زمین‌ها اغلب گیاهانی مانند سیر، لوبیا، سیب زمینی، کدو، سبزی‌ها و... کشت می‌شود که به مصرف خانوار می‌رسد میزان کشت در حد نیاز سالانه‌ی خانوار می‌باشد در حال حاضر در زمین‌های دیم روستا کشتی صورت نمی‌گیرد و به صورت بایر مانده‌اند و گاهی به صورت عمومی یا اختصاصی از طرف دام‌های اهالی چرا می‌شوند.

دیگر بهره‌برداران

دیگر بهره‌برداران همانند تهیه‌ی چوب ساختمانی و هیزم، تهیه‌ی چرده برای دام و استفاده از میوه‌ها و گیاهان دارویی و خوراکی جنگلی و مرتعی از طرف همه روستاییان صورت می‌گیرد و هیچ گونه حق اختصاصی یا پرداخت بهره‌ی مالکانه‌ای در بهره‌برداری یا بهره‌برداری نکردن برای هیچ کس در هیچ عرصه‌ای وجود ندارد. اما شیوه‌ی بهره‌برداری تا حدی دگرگون شده است، به دلیل نبود مالک

افراد پیش از ملی شدن نیز در این مرتع دامدار بوده و به وراثت خاندان سینکایی حق علف‌چر پرداخت می‌کرده‌اند که در حال حاضر هنوز بسیاری از آنان دامدار هستند. اغلب این دامداران خرده مالک، اما شمار محدودی صاحب دام‌های بیشتری هستند این افراد در حال حاضر از اوایل خرداد تا اواخر شهریور به صورت مشاع از سامانه عرفی لتسی بهره‌برداری می‌نمایند. پس از آن دامداران خرده‌پا، دام خود را به روستا بر می‌گردانند اما دامداران بزرگ تا اواخر مهر و اوایل آبان که همزمان با سرد شدن هوا است در این عرصه‌ها و دیگر عرصه‌های پیرامون آنها به تعلیف ادامه می‌دهند.

دیگر گوسفندداران بزرگ که در مرتع لتسی پروانه‌ی چرا ندارند بدون عرصه‌ای معین برای نگهداری دام بوده و بسته به شرایط، با نگهداری دام مالکان دیگر روستاها فصل تابستان را در سامانه‌های عرفی آنها یا در دیگر مناطق و مراتع دور دست از روستاها یا مناطق بین سامانه عرفی چندین روستا که تعلیف دام در آنها حساسیت کمتری ایجاد می‌کند می‌گذرانند و در فصول بهار و پاییز نیز به طور عمده در عرصه‌های نزدیک روستا همانند 'ایب' یا جهان و درون محوطه‌ی کتول چر پیشین تعلیف می‌شوند.

گوسفندسرای دیگری که در سامانه عرفی روستای چتن قرار دارد، سرای خرکنو است. همانگونه که پیشتر بیان شد روستاییان پیش از ملی شدن، مراتع پیرامون روستا را سالیانه به دامداران اجاره می‌داده‌اند و از جمله یکی از دامداران اهل پور در سال‌های مابیش ملی شدن چند سال سرای خرکنو را اجاره کرده است. با ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و سلب مالکیت سینکایی‌ها از سامانه عرفی روستا - بر طبق قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع - دامدار پیشین همچنان دام‌های خود را در تابستان به این سرا می‌آورده و در طی این مدت سرا را به نام خود ممیزی می‌کند به این ترتیب در حال حاضر در سرای خرکنو دام‌های کسی غیر از اهالی چتن تعلیف می‌شود

در مورد مالکیت عرصه‌های روستای یاد شده می‌توان در طول زمان و از روی شواهد آرایه شده در نتایج انواع شیوه‌های مالکیتی زیر را از هم جدا کرد:

در دورترین مقطع زمانی نسبت به زمان حال که تا اواخر زمامداری شاهان قاجار ادامه داشته است، مالکیت عرصه‌های روستا شامل انواع حق بهره‌برداری خصوصی ناشی از وقف به صورت مشاع در مراتع، و مفروز در زمین‌های کشاورزی و علف‌زارها، مختص خاندان سینکایی بوده است. در عرصه‌ی کتول چر قواعد به نسبت پیچیده‌تری حاکم بوده که منجر به مالکیت عمومی همه افراد روستا در تعلیف دام‌های کتول بوده است، در همین عرصه برای دیگر بهره‌برداری‌ها همانند تهیه‌ی چوب ساختمانی، زغال و چرده حق استفاده‌ی ناشی از وقف به صورت مشاع و خصوصی مختص سینکایی‌ها بوده است، در عین حال جمع‌آوری میوه‌های جنگلی و گیاهان دارویی و خوراکی از همه عرصه‌ها مستلزم هیچ گونه کسب اجازه یا بهره‌ی مالکانه‌ای نبوده است. این مساله جالب و قابل توجه است که یک عرصه‌ی معین دارای روش‌های متفاوت در بهره‌برداری بوده است یعنی افراد غیر از طایفه‌ی سینکایی در عرصه‌ی کتول چر روستا برای چرای دام بهره‌ی مالکانه‌ای پرداخت نمی‌کرده‌اند اما برای تهیه‌ی چوب ساختمانی ملزم به پرداخت بوده‌اند.

در مقطع زمانی دوم مالکیت غالب عرصه‌های مرتعی و کشاورزی، خصوصی و مختص خاندان مختاری بوده است، در همین زمان مالکیت محوطه‌ی کتول چر همانند مقطع پیشی بوده است یعنی در این زمان حق بهره‌برداری وقفی محدود به عرصه‌ی کتول چر باقی مانده است و سهم مالکین سینکایی در عرصه‌های کشاورزی، علف‌زار مرتعی و جنگلی بسیار ناچیز بوده و اغلب نادیده گرفته می‌شده است. حتی کسانی که حقوق خود را به خاندان مختاری واگذار نکرده‌اند در شرایطی نابرابر حق استفاده از آن را نداشته‌اند. مگر بهره‌ی مالکانه‌ی آن را پرداخت می‌کردند. با خرید همه این عرصه‌ها از طرف رضاخان پهلوی حق مالکیت دیگر مالکان پیشین اعم از سینکایی‌ها و مختاری‌ها بر همه‌ی

مشخص برای جنگل و تنظیم مکان بهره‌برداری، برداشت‌های روستایی برای تهیه‌ی هیزم به طور عموم از نزدیکترین جنگل‌ها نسبت به روستا صورت می‌گیرد و مناطق دور دست تر به دلیل دشواری بیشتر برای حمل مقطوعات به ندرت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. چرده‌گیری در عرصه‌های نزدیک روستا صورت می‌گیرد. در عرصه‌های به نسبت دورتر از روستا قطع درختان جنگلی به منظور تهیه‌ی چوب ساختمانی و گاهی هیزم صورت می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

حق دسترسی و کنترل منابع طبیعی دو عامل تعیین‌کننده‌ی نظام بهره‌برداری از آنها است. این حق باعث ایجاد نوعی نظام معین در روابط تولیدی می‌شود که در نهایت باعث شکل‌گیری شیوه‌های مشخص مدیریت سرزمین خواهد شد. بررسی تاریخی این حق دسترسی یا مالکیت می‌تواند ابزاری قوی در شناسایی پویایی تغییرات بوم‌شناختی و مدیریتی باشد که به وسیله‌ی انسان و در بوم‌نظام رخ داده‌اند، تا از این راه شناخت بهتری از این تغییرات بدست آمده و در نهایت الگوهای مدیریتی مبتنی بر نظام فعلی با نبود قطعیت کمتری امکان عملی شدن بیابند.

شیوه‌ی بهره‌برداری از مجموعه‌ای از چراگاه‌های مختلف در طول یک سال برای تعلیف گله‌های دام در نواحی جنوبی دریای خزر و دامنه‌های شمالی البرز منحصر به روستای یاد شده نبوده و در بسیاری از نقاط شمال ایران رایج است و به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار بر روش زندگی انسان‌ها و بهره‌برداری از منابع طبیعی موجود توسط (Rostami Atuei, 1991) در جنگل‌های نکا، (Avatefi Hemmat, 2003) در جنگل‌های شرق نوشهر و (MohebHosseini, 2004) در قاسم‌آباد رودسر و پاپلی یزدی و لباف خانیکی (Papoli-Yazdi & Labbaf-Khaniki, 2000) بیان شده است.

عرصه‌های که پیش از ملی شدن کتول چر روستاییان بوده‌اند؛ پس از ملی شدن مراتع/ینگا و/ایوار ایجاد شده‌اند که در حال حاضر دارای سراهای دامداری برای نگهداری دام‌های گله‌ای هستند. مرتع اینگا در حال حاضر دارای مرزی مشخص با دیگر مراتع و محوطه‌ی کتول چر است اما محوطه‌ای که دام‌های سرای ایوار از آن بهره‌برداری می‌کنند هیچگونه مرز مشخصی با محوطه‌ی کتول چر نداشته و مرز آن با مراتع دیگر نیز همان مرز اصلی کتول چر پیش از ملی شدن است، اطراق گاه‌های گت چال، کل چال، لیب چال، ایب، لاش و خرابه در عرصه‌های نزدیک روستا و در کنار زمین‌های کشاورزی مالکان قرار دارند گرچه در زمان استقرار دام در آنان، عرصه‌ی کتول چر و زمین‌های کشاورزی محل تعلیف دام‌های آنها است. (به شکل ۲ مراجعه شود)، از طرف دیگر محدودیت زمانی بهره‌برداری از عرصه‌های مرتع لت‌سی همانند پیش رعایت نشده و دامداران بزرگ مدت بیشتری در آن می‌مانند، برخی دامداران دیگر هیچ گونه حق عرفی مشخصی برای بهره‌برداری از مکان مشخصی ندارند و برخی از سامانه عرفی دیگر روستاها تعلیف می‌کنند همچنین عرصه‌های مرتع خرک‌نو در اختیار دامداری غیر از اهالی روستای چتن است. دامداری که قسمتی از سال را در/ینگا می‌گذرانند و در کنار نگهداری از دام‌های خود مسئولیت نگهداری از دام‌های برخی اهالی دیگر روستا را به عهده دارد از مرتع چمرسرای نیز بهره‌برداری می‌کند. و عرصه‌های سنگ سرک اغلب از طرف دامداران لت‌سی تعلیف می‌شوند. این مساله به آرامی از طرف روستاییان در حال پذیرش است به گونه‌ای که برخی وضعیت موجود و از جمله افراز قسمتی از عرصه‌های جنگلی پیرامون روستا از محوطه‌ی کتول چر را پذیرفته‌اند اما برخی دیگر آن را به رسمیت نمی‌شناسند و نسبت به آن اعتراض دارند.

در عرصه‌ی علف‌زارها و اراضی کشاورزی آبی مالکیت خصوصی حاکم بوده اما به طور معمول تعلیف پس چر آنها از طرف دام‌های همه‌ی دامداران به ویژه دام‌های کتول صورت می‌گیرد. زمین‌های دیم به طور عموم بایر هستند و

نوع اراضی کشاورزی، کتول چر و مرتعی از بین رفته اما آنان به دامداری، کشاورزی و برآورد دیگر نیازهای خود بر روی این عرصه‌ها ادامه داده‌اند. پس از سقوط رضاخان پهلوی تا سال ۱۳۳۰ مالکیت و مدیریت همانند پیش از دوره‌ی رضاخان پهلوی اما همراه با کشمکش بین مختاری‌ها و سینکایی‌ها بوده است.

در مقطع زمانی سوم پیش از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع یعنی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۱ مالکیت، شامل حق بهره‌برداری خصوصی و مشاع سینکایی‌ها در عرصه‌ی مراتع سامانه عرفی فعلی روستا، مالکیت خصوصی غالب مختاری‌ها بر عرصه‌ی مراتع خارج از سامانه عرفی روستا در عرصه‌های میان‌بند و قشلاقی و مالکیت به شیوه‌ی مقاطع زمانی پیشین در عرصه‌های مختص به دام‌های کتول بوده است. اهمیت ویژه‌ی این دوره از جهت خارج شدن قسمت عمده‌ای از عرصه‌ی اصلی وقف از شمول وقف نامه بوده است که همان عرصه‌های میان‌بند و قشلاقی یاد شده در پیش است. این امر موجب فشار مضاعفی بر وضعیت اقتصادی روستاییان و تغییر شیوه‌ی بهره‌برداری از عرصه شده است به این صورت که در پیش از آن دامداران روستا به دلیل داشتن عرصه‌های کافی در اراضی قشلاقی و میان‌بند و ییلاقی به شیوه‌ی متحرک به دامداری می‌پرداخته‌اند یعنی در طول سال یک چرخه‌ی کامل از عرصه‌های جنوب دریای خزر تا ارتفاعات البرز مرکزی را طی می‌کرده‌اند اما به تدریج در دوره‌ی گذار و بویژه پس از سال ۱۳۳۰ عرصه‌ی قابل بهره‌برداری آنان به عرصه‌های پیرامون روستا محدود شده است که شیوه‌ی دامداری را از دامداری متحرک به نیمه متحرک تغییر داده است، یعنی دام زمستان را در روستا و دیگر فصول را در مراتع پیرامون روستا تعلیف می‌کند.

در مقطع زمانی پس از ملی شدن به طور اسمی همه عرصه‌های جنگلی و مرتعی پیرامون روستا ملی و در مالکیت حکومت است اما پایه بهره‌برداری روستاییان از این عرصه‌ها عرف‌های پیشین است در عین حال به دلیل نبود نیروهای مشوق همانند مالکیت تغییراتی رخ داده است: در

طور عمده برای تولید دامداری بوده است. این شیوه‌ی تولید مستلزم نوع ویژه‌ای مدیریت عرصه بوده است که در آن بیشتر توانایی عرصه برای تولید دامی باشد، نیاز به چراگاه دام از سویی و تولید چرده از سوی دیگر باعث ایجاد جنگل‌های شاخه‌زادی شده است که هدف‌های یاد شده را برآورده سازد. تغییر مالکیت عرصه نیز مساله‌ای است که شیوه‌ی مدیریت و هدف‌های بهره‌برداری را دچار تغییراتی نموده است به صورتی که جنگل‌های دور از روستا بیشتر به صورت چراگاه مستقیم دام و گاهی برای تولید چوب‌های ساختمانی و هیزم مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

تغییر دیگر در بهره‌برداری از منابع تغییراتی است که در شدت و میزان بهره‌برداری‌ها روی داده است به نظر می‌رسد در کل شدت بهره‌برداری از منابع جنگلی کاهش یافته است، مثال‌های مشخص از این مورد از رونق افتادن زغالگیری و جانشین شدن نفت به جای هیزم است، در عین حال چگونگی برداشت نیز دچار تغییر شده است و تمرکز برداشت در عرصه‌های نزدیک به روستا است، ادامه‌ی این روند ممکن است به محو شدن راه‌های مالرو جنگلی به عنوان شبکه‌ای قوی برای دسترسی به نقاط مختلف جنگل شده و برداشت در عرصه‌های نزدیک را برای برآورده ساختن نیازهای مشخص همانند هیزم روستاییان افزایش دهد که در نهایت موجب تخریب بیشتر عرصه‌های نزدیک روستا خواهد شد. قابل یادآوری است که گرچه شدت بهره‌برداری‌ها در کل کاهش یافته است اما به دلیل تمرکز بهره‌برداری در عرصه‌های نزدیک روستا تخریب این عرصه‌ها در حال پیشروی است.

مسأله‌ی دیگر از رونق افتادن کشت در زمین‌های کشاورزی است. که در برخی مناطق دوردست این زمین‌ها در حال تبدیل شدن دوباره به جنگل هستند. گرچه در مورد این زمین‌ها مالکیت مشخص وجود دارد اما به دلیل مشخص نبودن کاربری در این زمین‌ها، کارکرد مالکیت دچار تغییر شده است. این مسأله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که مالکیت برخی زمین‌های دور از روستا بین چندین نفر مشترک است که از حدود ۳-۴ نسل پیش افزاینده شده است.

از آنها به عنوان چراگاه دام‌های کتول یا گله‌ای بهره‌برداری می‌شود. با این تفاوت که برخی مالکان با چپر کردن پیرامون آنها اجازه‌ی تعلیف دام‌های دیگر مالکان را نداده و آنها را به صورت چراگاه اختصاصی دام‌های خود در آورده‌اند برخی دیگر در ایامی از سال از اوایل بهار تا اوایل پاییز به صورت اختصاصی از آنها بهره‌برداری نموده اما پس از آن اجازه‌ی تعلیف دام دیگر مالکان را نیز می‌دهند و برخی دیگر که افراد بدون دام یا ساکن شهرها هستند هیچ گونه حفاظتی از این زمین‌ها انجام نداده و آنها در طول سال مورد تعلیف همه نوع دامی هستند.

دیگر بهره‌برداری‌ها از عرصه و اعیان جنگلی شامل تعلیف دام‌های کتول، تهیه‌ی انواع چوب‌های مورد نیاز مردم مانند هیزم و چوب ساختمانی و چرده و دیگر کاربردها برای همه‌ی اهالی ممکن بوده و نوعی مالکیت عمومی و مشاع اهالی بر عرصه حاکم است.

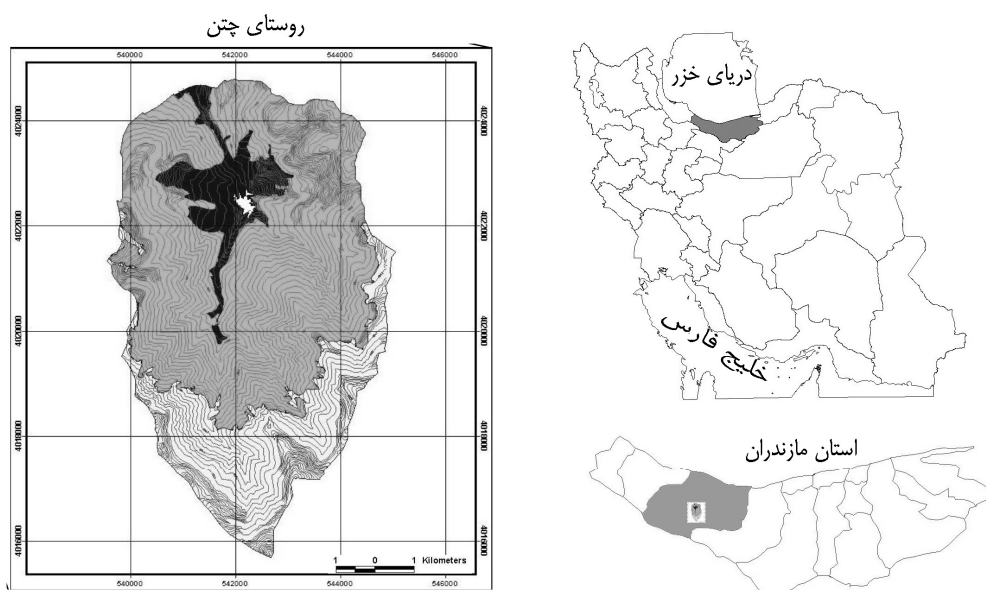
همانگونه که در قسمت نتایج در بهره‌برداری‌های اهالی، پیش از زمان رضاخان پهلوی و نیز در زمان مالکیت خاندان مختاری آمد بهره‌برداری افراد غیر سینکایی از عرصه‌ی کتول چر روستا برای چرای دام مشمول پرداخت بهره مالکانه‌ای نبوده همچنین در زمان مختاری‌ها نیز آنان با اینکه سطوح زیادی از عرصه‌های مرتعی روستائیان را خریداری کرده‌اند اما حقی بر عرصه کتول چر نداشته و حتی درآمدهای فروش زغال آن همانند پیش از این زمان به سینکایی‌ها تعلق داشته است، این موضوع نشان دهنده‌ی نوع ویژه‌ای از مدیریت روستایی بر عرصه‌های پیرامون روستاها در ایران است که عرصه‌های حریم نامیده می‌شوند. مدیریت این عرصه‌ها در طول زمان پایدارترین نوع مدیریت بوده است. عرف‌های ایجاد کننده‌ی حق حریم از عرف‌های با رواج و التزام قوی در اجرا بوده‌اند که در حال حاضر نیز کم و بیش با مختصات مکانی باقی مانده از گذشته از طرف روستائیان رعایت می‌شوند.

بنابر یافته‌های این بررسی که در روستای چتن صورت گرفته است بهره‌برداری اصلی اهالی از عرصه‌های جنگلی و مرتعی روستا چه در زمان گذشته و چه در حال حاضر به

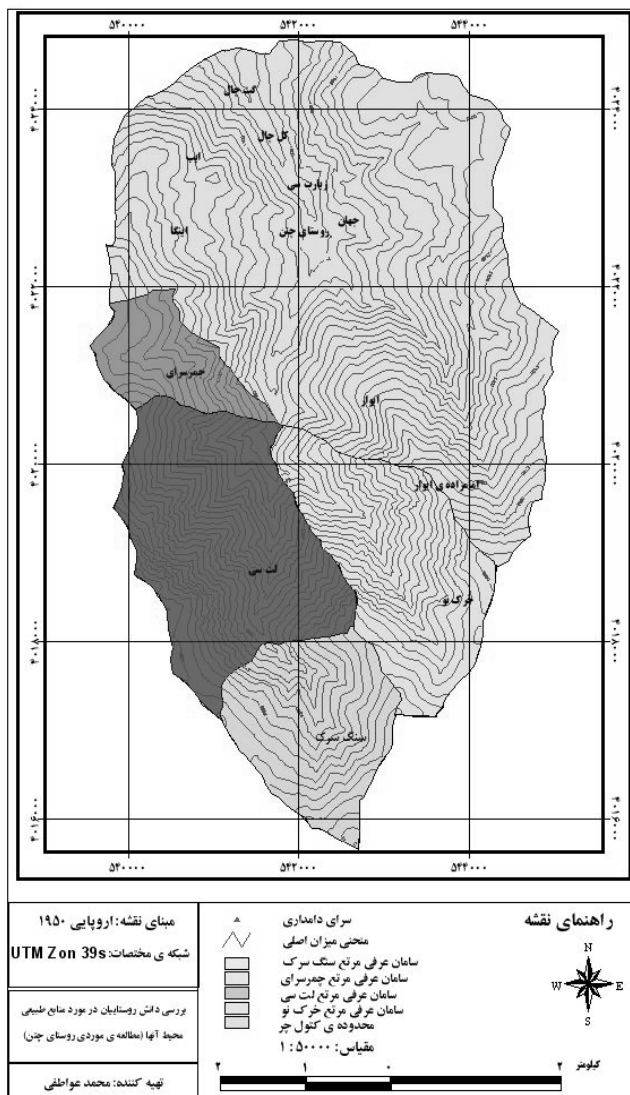
است زیرا در وضعیت جدید دام باید مدتی از سال را در اصطبل بگذرانند و به دلیل نبود تولید علوفه‌ی خشک کافی از زمین‌های کشاورزی و نیاز به خرید آن توانایی نگهداری دام‌های بومی با بازده کم که باعث کاهش سود می‌شود. به تدریج دام خود را از دست داده‌اند. و در نهایت به صورت چوپانان صرفی درآمد‌دهند که تنها نیروی کار خود را به دیگر مالکان می‌فروشند.

در نهایت نظام مدیریت نوین و متمرکز دولتی پیش بینی شده پس از ملی شدن برای مدیریت این عرصه‌ها نتوانسته است به صورت کامل جایگزین نظام کهن شود و در عین حال نظام کهن نیز بنا به دلایلی از جمله نبود مشوق مالکیت همانند گذشته فراگیری ندارد، به صورتی که بیشترین تغییر مالکیتی عرفی و کاربری پس از ملی شدن روی داده است. گرچه نمی‌توان همه‌این تغییرات را به دلیل ملی شدن دانست اما با وجود خلاء مالکیتی فعلی بر این عرصه‌ها روشن است با توجه به دشواری‌های اجتماعی - اقتصادی روستاییان لازم است، تمهیداتی اندیشیده شود.

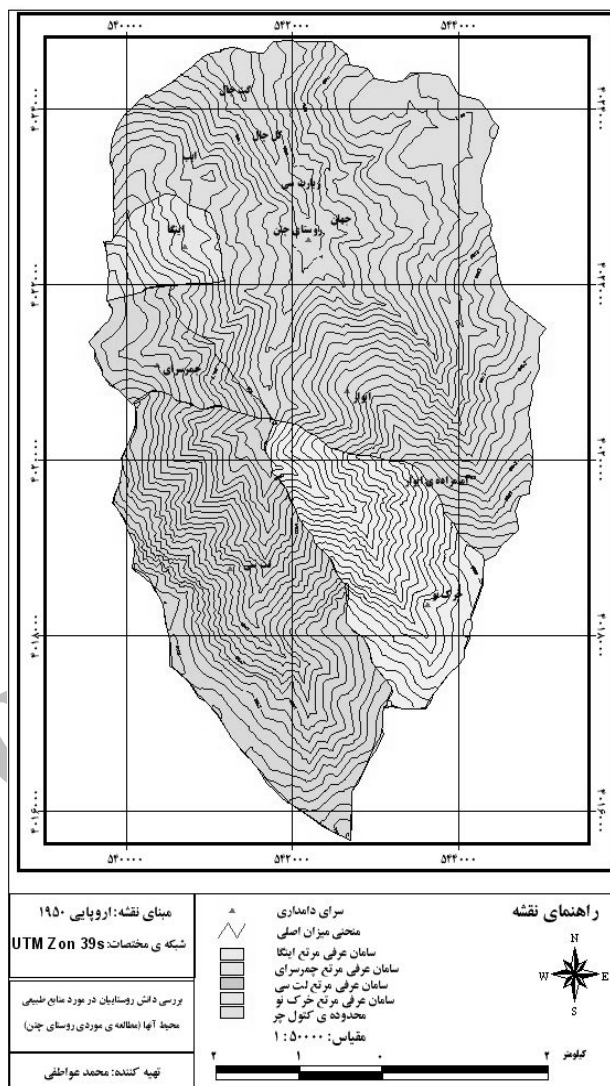
در مورد این اراضی یافتن وراثت اصلی بسیار مشکل شده است. همچنین مرز مشخصی بین این اراضی و اراضی جنگلی ملی وجود ندارد. به گونه‌ای که تنها خود اهالی مالکیت این زمین‌ها را متفاوت از مالکیت عمومی می‌دانند. مساله‌ی دیگر تاثیر اقتصادی تغییر مالکیت است که به طور مشخص پس از ملی شدن در وضعیت اقتصادی خانوارهای ساکن روستا به ویژه سینکایی‌ها دیده شده است. در حال حاضر بسیاری از این خانوارها وضعیت اقتصادی مساعدی ندارند و به صورت گالشی صرف به نگهداری از دام دیگران در دامداری‌های سنتی و جدید در مناطقی همچون کلاردشت، نوشهر و چالوس تا نور می‌پردازند. این مساله قابل بررسی بیشتری است که آیا از دست دادن عرصه‌ی جنگلی در فقیرتر شدن مردم موثر بوده است یا نه؟ به نظر می‌رسد بسیاری از این افراد مهارت انجام کارهای دیگر را ندارند و پیش از ملی شدن منابع طبیعی به نگهداری از دام اشتغال داشته‌اند. اما پس از ملی شدن منابع و از دست رفتن جنگل‌ها و مراتع نه تنها بهره‌ی مالکانه‌ی این عرصه‌ها را از دست داده‌اند. بلکه نگهداری دام نیز مشکل تر شده



شکل ۱- موقعیت روستای مورد بررسی



شکل ۳- موقعیت سامانه‌های عرفی مراتع مختص دام‌های گله‌ای و محوطه‌ی کنترول چر روستای چن در درون سامانه عرفی روستا در زمان حاضر



شکل ۲- موقعیت سامانه‌های عرفی مراتع مختص دام‌های گله‌ای و محوطه‌ی کنترول چر روستای چن در درون سامانه عرفی روستا پیش از ملی شدن

پیوست اول

متن وقف نامه‌ی چتن

شرایط حمد کثیر [الطیع]^۱ مالک الملکی را سزااست که در مزارع بقا انتم تزرعون ام نحن الزارعون بذروهی ذات [...] کل سنبله ماه حبه و بحث مزروع کرد و درود نامحدود و در خور پیغمبری است که صاحب تاج ابتهاج لولاک ما خلقت الافلاک، سلطان عرب و عجم مصلی [ممتی] مزکی ابوالقاسم محمد مصطفی و شاه ولایت پناه، اسدالله سرور غالب شاه مردان علی ابن ابوطالب و اله ابرار و عترت اطهار او باد و [...] داعی بر [نمیقه‌ی] [انتقه‌ی] آنکه حاضر کرد. بداند در محضر شرع جنابان فخامت نصابان آحمد علی و آعلی اکبر ولدان مرحوم فردوس، ملقب به سینکا، ساکنان قریه چیتن من بلوک پنچک‌رستاق از روی عواید شرعیه اسلامیة همهی و همگی و ملکی موروثی تصرفی خود که داشته‌اند و مراتع آبی و دیمی و مراتع علف خور و آبخور، وقف اولاد پسر نمودند که نسلأ پس نسل، وقف بوده ابدأ [و باتیه] مربوطه [...] و حقی ندارند. همهی قریه مزبوره که در تصرف این دو برادر است در ششدانگی قریه را متصرفی موروثی داشته‌اند وقف گردانیده‌اند از تاریخ حال هفتم نوروز ماه قدیم است صیغه وقف بلعربی و به فارسی شده بتاریخ یوم دوشنبه بیست و سوم صفر الخیر هزار و یکصد و شانزده نقش خاتم و احقان مزبوران

آحمد علی و آعلی اکبر

شهود

اردشیر [سانار] نجف آقا گرجی شاه کرم پاشا یعقوب بنا یوسف نظام مظفرپالان دوز مهرعبده مکرم

پیوست دوم

متن حکم صادره‌ی دادگاه شهر تنکابن پس از کشمکش‌های دهه‌ی بیست شمس‌ی به تاریخ پانزده

مهرماه ۱۳۳۰

وزارت دادگستری

دادگاه شعبه

دادنامه شماره ۲۶۶

بنام مبارک اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی

تاریخ ۱۳۳۰/۷/۱۵

پرونده شماره ۲۳/۲/۲۸

۱- آقایان جونئی مختاری و محمد طاهر و میرزاعلی و ابوطالب و یحیی و فرج‌الله و حسین و امیر و نورالله و ابراهیم و سلیمان و میرزا آقا و علی‌آقا و کاظم، همگی سینکایی و ایمانعلی و حسین و علی‌پناه و بمانعلی مختاری و عبدالله نقوی، شرح دادخواست شماره‌ی ۴۷۴۰-۲۱/۱۱/۱۸ [۱۳] به خواسته ششدانگ قریه چیتن و اجودره علیا و سفلی و ترم چال [...] ولیک اورک، چمل سرا، اینگا و لتسی و سنگ سرک و خرکنو و شکه [...] نخستین شهسوار شکایت نمودند. به این عنوان که املاک نامبرده ملک متصرفی آن‌ها بوده و مامورین املاک شاه سابق جبراً [با بهای] نازلی خریداری و صدور حکم مورد عینی رقبات را خواستار شده‌اند هستند. دعوت عبارت بوده از رونوشت سند رسمی شماره ۸۱-۱۶/۲/۲۱ [۱۳] حکایت دارد آقای جونئی مختاری و بقیه شکات ششدانگ قریه چیتن را به جمیع تعلقات آن به انضمام مراتع نامبرده را در مبلغ ۱۴۴۳۰^۲ ریال به اعلی حضرت شاه سابق انتقال داده‌اند.

۲- آقای مرتضی علیزاده کجوری اصالتاً و وکالتاً از طرف دیگر شرکا یعنی طایفه‌ی سینکایی عموماً پسر، به شرح دادخواست شماره‌ی ۵۵۸-۲۱/۱۱/۲۶ به هیات نخستین شهسوار شکایت و ادعا نموده که ششدانگ قریه چیتن وقف اولاد پسر و متعلق به نامبرده [و] شرکا نیز بوده و در سال

۱- برخی لغایت متن سند پاک شده یا قابل خواندن نبود. که جای آن‌ها قلاب نقطه چین آمده است. یا در مواردی کلمه احتمالی درون قلاب آمده است.

۲- این مبلغ در جایی ۱۴۴۳ ریال و در جای دیگری ۱۴۴۳۰ ریال آمده است اما به گواهی اعضای روستا ۱۴۴۳ ریال درست است که آنان پرداخته‌اند.

با ملاحظه‌ی اصل وقف نامه و اینکه در اصالت آن تردید نشده و با توجه به اینکه عده‌ای از فروشندگان قریه چیتن به شاه سابق مانند محمدطاهر، میرزاعلی، یحیی، عبدالله، حسین و ولی و ابراهیم و سلیمان و میرزا آقا و علی‌آقا و کاظم و بمانعلی به وقفیت آن تصدیق نموده‌اند و گواهی اقامه شده در بازجویی محلی از طرف طایفه‌ی سینکا عموماً و گواهان اقامه شده از طرف طایفه‌ی مختاری غالباً به شرح صفحات ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ به وقفیت ملک چیتن و تصرف موقوف علیهم تامین تصرفات شاه سابق گواهی داده‌اند و برگه‌ی ممیز نامه‌های [...] گواهی آنان و گواهی عده‌ای از معتمدین پیوست پرونده در وقفیت ملک مورد بحث تردید نشده لذا حکم تجدید نظر خواسته شده فسخ می‌شود و وزارت دارایی باید قریه چیتن مورد معامله را به فروشندگان نامبرده که از جمله موقوف علیهم و از شکات می‌باشند و به دیگر موقوف علیهم که بقیه‌ی شکات هستند و به موقع قانونی تقدیم دادخواست نموده‌اند تحویل دهد و ثمن معامله‌ی سند رسمی شماره ۸۱، ۱۶/۲/۲۱ [۱۳] را که معادل ۱۴۴۳ ریال است در قبال رد بیع از فروشندگان رقبات مورد معامله یا قائم به نام دولت در عوض این املاک پرداخته است در دادگاه با تعهد مقررات عمومی به استناد ماده‌ی ۱۹ قانون راجع به دعوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری اقامه‌ی دعوا نمایند.

هیات تجدید نظر املاک واگذاری شعبه یک

محل امضاء آقایان هیات حاکمه و مهر ثبت، رونوشت برابر با اصل است که در پرونده‌ی ۳۸/۱۰-۲۳ بایگانی است دفتر ثبت تجدید نظر املاک واگذاری به تاریخ بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۳۰

۱۳۱۵ مامورین املاک شاه سابق قریه مزبوره را به عنوان خریداری اسماً از رعایا با قباله‌ی رسمی تصرف و قیمت آن را هم همماً [...] شرکا پرداخت نموده و صدور حکم مورد همین [...] باشند را به نفع خود و موکلین خواستار شده‌اند. ۳- اداره‌ی فرهنگ و اوقاف شهسوار دادخواست شماره ۹۱۷- ۲۱/۱۲/۲۰ [۱۳] به هیات نخستین مزبور تسلیم و مدعی شده شش‌دانگ [...] وقف اولاد پسر بوده و اداره‌ی املاک شماره [...] سابق آن را جبراً از جمیع زارعین و رعایای محل قباله [...] و تأدیه میسر را تصرف شده‌اند و صدور حکم بر استرداد آن را خواستار شده پس از صدور اخطار رفع نقص به اداره‌ی اوقاف جهت رفع نواقص دادخواست و تسلیم رونوشت وقف نامه استنادی و تقدیم رونوشت وقف نامه به هیات نخستین هر سه پرونده را توأم نموده با رسیدگی به شرح حکم شماره‌ی ۴۵۴ با استناد سند رونوشت معامله ابرازی و دیگر جهات میسر در حکم سابق تصرف مالکانه‌ی شاکیان پرونده ۴۷۴ در مورد ادعا و عدم حدوث تغییرات پایهی را در آن محرز و مسلم دانسته و وزارت دارایی را محکوم نموده با دریافت ثمن معامله همهی رقبات مورد مطالبه را به آنان مسترد دارد و ادعای اداره‌ی اوقاف و علیزاده را بدون دلیل و محکوم به بطلان تشخیص داده و حکم صادره به طرفین دعوی ابلاغ شده. اداره اوقاف شهسوار طی نامه‌ی شماره ۱۹۹۵- ۲۳/۷/۱۵ [۱۳] و اداره‌ی تصفیه املاک واگذاری و آقای علیزاده کجوری و شرکا و طایفه سینکا به موجب دادخواست، خواستار رسیدگی تجدید نظر شده‌اند و پس از انجام تشریفات و تعیین وقت رسیدگی و صدور قرار بازجویی محلی برای تشخیص وقفیت یا عدم وقفیت ملک مورد ادعا در دو دفعه و اجرای قرارهای صادره و خواستن اصل وقف نامه استنادی، اداره اوقاف و آقای علیزاده بالاخره در جلسه مورخ دهم مهر ۱۳۳۰ که در شعبه اول هیات تجدیدنظر املاک واگذاری به تصدی آقای عبدالعلی نعمت‌الهی و عبدالله خلیل ناجی، ضیاء الدین محیط شیرازی محمود [...] شفایی و اسماعیل مزارعی با حضور آقایان تدین نماینده‌ی اداره‌ی تصفیه و کاشانی وکیل اداره‌ی اوقاف و علیزاده کجوری تشکیل بوده رسیدگی انجام و در این تاریخ رایزنی و به بیشتریت چنین رای می‌دهد.

منابع

- 1- Avatefi Hemmat M., 2003. An introduction to the traditional animal husbandry unit in kheyrood forest, bachelor project in forestry, Faculty of Natural Resources, University Of Tehran, 81pp. (in Persian)
- 2- Avatefi Hemmat M., 2006. Investigation on rural people's knowledge about their natural resources surrounding (case study Chetan), Thesis submitted to the graduate studies office in partial fulfillment of the requirement for the degree of Master of Science in forestry, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, 151pp. (in Persian)
- 3- Azkia M., 1995. An introduction to sociology of rural development, Etelaat publications, 4th ed., Tehran, 247pp. (in Persian)
- 4- Barani H., 2003. An investigation on pastoral culture among the herders of eastern Elburz, a dissertation submitted to the graduate studies office in partial fulfillment of the requirement for the degree of PhD in range management, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, 319pp. (in Persian)
- 5- Bates D. G. & F. Plog, 1997. Methods cultural anthropology, translated to Persian by Nematollah Fazeli, Namayeh Pajuhesh, Vol. 1(1). pp 14-29.
- 6- Glasser B., 1995. Environment, development, agriculture: integrated policy through human ecology, UCL press, 174pp.
- 7- Brown K., 2003. Trees, forest and communities: some historiogeographical approaches to environmental history on Africa, Area, Vol. 35(4). pp 343 – 356.
- 8- Lahsaeizadeh A., 1990. Social movements in the villages of Iran. Navid publications, Shiraz, 366pp. (in Persian)
- 9- Moheb Hosseini M., 2004. An anthropological survey of the developments related to the ethnical frontiers in a rural region in the northern part of Iran, The Iranian Journal of Anthropology, Vol. 5, pp 117-146. (in Persian)
- 10- Papoli-Yazdi M.H. & M. Labbaf-Khaniki, 2000. The pasture: exploitation systems, Geographical Research Quarterly, Vol. 56-57, pp 7-40. (in Persian)
- 11- Rostami Atuei A., 1991. Investigation on temporal, spatial, and conventional situations of herders of first district of Neka. Thesis submitted to the graduate studies office in partial fulfillment of the requirement for the degree of Master of Science in forestry, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, 106pp (in Persian).
- 12- Ruholamini M., 2003. Around the town with light: fundamental of anthropology, Attar publications, 11th ed., Tehran, 284pp. (in Persian)
- 13- Silverman D., 2002. Qualitative methodology and sociology, translated to Persian by M. Salasi, Tebyan publications, Tehran, 265pp.
- 14- Spradley J. & D.McCurdy, 1993. The cultural experience: ethnography in complex society, translated to Persian by B. Mohammadi. Institute of Cultural Study Publications, Tehran, 148pp.
- 15- Taleb M., 1997. Rural management in Iran, 2nd ed., Tehran University Publications, Tehran, 146pp. (in Persian)

Historical analysis of ownership and its effect on style of land management in a village of the northern part of Iran (Case study: Chetan village)

M. Avatefi Hemmat^{*1}, T. Shamekhi², V. Etemad³ and M. Farhadi⁴

¹ Ph.D. Student, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, I.R. Iran

² Associate Prof., Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, I.R. Iran

³ Assistant Prof., Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, I.R. Iran

⁴ Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaee University, Tehran, I.R. Iran

(Received: 18 May 2008, Accepted: 12 March 2010)

Abstract

This research studied the historical aspects of rural exploitation systems of forest, rangeland, and agricultural areas in Chetan village which is located in Kojoor district, Noshahr County, Mazandaran province in the north of Iran. The research process apply semi structured and none structured interviews, participatory observation, and study of historical documents as well as field survey. Exploitation system of the mentioned area was divided in to three different historical context period, which are different in main characteristics in ownerships relations, including: a) about 300 years ago to the late of Qajar dynasty b) the late of Qajar dynasty to 1963 when the forest and rangeland in Iran were nationalized and c) from 1963 up to now. The effect of ownership component as an important element in different exploitation methods was also analyzed in each period. Different kind of ownership systems, such as collective, private in the family level and private in the clan level, endowment, and their mixtures, for different applications such as livestock grazing, preparing fodder from tree leaves, making charcoal, preparing construction wood for housing, gathering non wood forest products and so on, have been existed in this area. These kinds of ownership methods were established owing to political as well as historical context which were out of the villagers control, also development of rural community along with time.

Keywords: Ownership, Endowment, Stumpage price, Traditional Management, Chetan village